

سوره مبارکه انسان

جلسه سوم

عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (٦)

ترجمه:

بندگان خدا این شراب گوارا را از سرچشمه ای می نوشند که خودشان آن را به جریان
انداخته اند

آیه به سرچشمه ای که این جام از آن پر می شود، اشاره میکند و می فرماید:
این شراب از چشمه خاصی است که بندگان خدا از آن می نوشند و آن را از هر جا می خواهند
جاری میکنند.
مسلم است که جاری ساختن چشمه های بهشتی نیازمند وسائل دنیایی نیست بلکه به اراده اهل
بهشت جاری می شود. چنانچه در آیه دیگری می فرماید «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا، اهل بهشت هر چه را
اراده کنند دارند»^۱.
آری این چشمه چنان در اختیار ابرار و عبادالله است که هر جا اراده کنند، از همان جا جاری میشود.

ابرار، عبادالله هستند. یعنی خودشان را بنده و مملوک پروردگار می دانند و اعمالی را انجام می دهند که خداوند می پسندد و زحمت اطاعت خدا را متحمل می شوند و آنچه میکنند، به خاطر خوشنودی اوست. بنابراین عبادالله یعنی بندگانی که خود را آراسته به زینت عبودیت حق کرده اند. و این چنین است که به اراده عبداللهی زمین شکافته می شود و شرابی خالص جریان پیدا می کند. باده از ما مست شد، نی ما از او عالم از ما هست شد، نی ما از او قابل توجه اینکه: در میان نعمت های بهشتی که در این سوره آمده است، نخستین نعمت، شراب معطر آرام بخش است؛ و علت آن شاید این باشد که پس از فراغ از حساب محشر و با نخستین گام که در بهشت می نهند، با نوشیدن آن هرگونه اندوه و ناراحتی و ناخالصی را از درون جان خود بشویند و سرمست از عشق حق به استفاده از سایر مواهب بهشتی بپردازند. دو آیه مذکور اشاره به تجسم اعمال دارد، یعنی اعمال صالحه به صورت شرابی آرام بخش و معطر جریان پیدا می کند و جام پر و گوارائی می شود که صاحبش از آن مست می گردد.

يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَأْمُرُوا بِالْعَدْلِ وَالْغَيْرِ الْمَعْرُوفِ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَالْغَيْبِ الْمَعْرُوفِ (٧)

ترجمه:

نیکوکاران به نذر خود وفا می کنند و از روزی که عذابش گسترده است می ترسند.

در آیات بعد، با ذکر پنج ویژگی برای ابرار، به استحقاق آنها نسبت به نعمت ها اشاره می کند. اولین ویژگی آنها پاسخ به فطرت است. آن ها به فطرت خداجوی خود پاسخ می دهند و به عهد و پیمانی که در روز الست با خدای خود بستند وفادارند. و این وفای به عهد در تمام ابعاد زندگی آنها جریان دارد، زیرا ارزش افراد به میزان تعهد آنهاست و این تعهد برخاسته از ایمان است.

همانطور که در شأن نزول گفته شد، مصداق اتم و اکمل این آیات امیرمؤمنان علی و فاطمه زهرا و فرزندان آنها حسن و حسین "سلام الله علیهم اجمعین" هستند که سه روز روزه داری را با آب افطار کردند.

وقتی که آن حضرات به نذری که بر خود واجب کرده اند این گونه وفا می کنند، مسلماً در ادای واجبات و احترام به دستورات الهی نهایت سعی و کوشش خود را به کار می گیرند. بنابراین اولین ویژگی ابرار وفای به عهد است. دومین ویژگی ابرار ترس از شر و عذاب روز قیامت است که اشاره به ایمان آنها به معاد دارد و احساس مسئولیت شدید آنها را در برابر فرمان الهی می رساند .

"و یخافون یوما کان شره مستطیرا"

"مستطیر" به معنای گسترده و پراکنده است یعنی روزی که سختی و عذاب آن در آخرین حد است و همه را فرا می گیرد .

و یَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا (۸)

ترجمه:

و غذای خود را با آنکه به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین و یتیم و اسیر می دهند .

در این آیه سومین ویژگی ابرار را ذکر می کند که اطعام به نیازمندان است و می گوید : آنها غذای خود را در عین اینکه به آن نیازمندند، به مسکین و یتیم و اسیر می دهند.

در اینکه مرجع ضمیر حُبّه چیست، مفسران نظرات مختلف دارند. بعضی گفته اند : مرجع ضمیر "الله" است که در آیات گذشته آمده، یعنی آنها به عشق پروردگار اطعام می کنند.

بعضی گفته اند: مرجع ضمیر "طعام" است یعنی با وجود علاقه و نیاز شدیدی که به غذا داشتند ایثار کردند و آنرا به نیازمند دادند. بر خلاف نظر بعضی دیگر که گفته اند اگر مرجع ضمیر را به

طعام برگردانیم در کنار محبت الهی محبت غیر را قرار داده ایم؛ در حالی که محبت به خدا دیگر جایی برای محبت غیر باقی نمی گذارد.

اما باید توجه کرد که در این صورت ارزش احسان مضاعف می شود، چون این مسئله خیلی طبیعی است که هر گرسنه ای به غذا نیاز دارد و با توجه به این نیاز طبیعی اگر ایثار کند و دیگری را بر خود ترجیح دهد، ارزش این احسان چندین برابر خواهد شد.

نظر سومی که بعضی از مفسران در برگشت ضمیر حَبَّه بیان کرده اند، این است که مرجع ضمیر را به نفس اطعام برگردانیم. یعنی اطعام برای ابرار یک ملکه است که این ویژگی هم صفتی با خدا را می رساند. یا مَنْ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ: ای کسی که میخوراند و خود نمی خورد.^۱ و همچنین در این ارتباط در دعای جامعه کبیره میخوانیم "عادتکم الاحسان و سَجَّيتکم الکرّم" احسان عادت شما و کرم سرشت و طبیعت شماست.^۲

معنای لغوی "مسکین" نیازمند کاملاً از کار افتاده و خاک‌نشین است و "یتیم" به معنای بی-سرپرست، چه از طرف پدر و چه از طرف مادر است و اسیر به معنای کسی که در بند حاکمیت اسلام است. در اینجا این سوال مطرح می شود که اسیر اگر زندانی بوده است، پس براساس شأن نزول آیه چگونه به در خانه علی "علیه السلام" آمده است.

پاسخ این سوال روشن است. زیرا بر طبق نقل تواریخ در زمان پیامبر "صلی الله علیه و آله" مطلقاً زندانی وجود نداشته و حضرت "صلی الله علیه و آله" اسیران را تقسیم نموده و به دست مسلمانان میسپردند و به آنها می فرمودند، مراقب آنها باشید و به آنها نیکی کنید و اگر توانائی بر تأمین غذای خود را ندارند، به آنها اطعام کنید.

بنابراین در صدر اسلام یکی از بهترین اعمال، اطعام محرومان و نیازمندان بود و این نه تنها نیازمندان مسلمان، بلکه اسیران بلاد شرک را نیز تحت پوشش قرار می داده. نتیجه اینکه اطعام یکی از ویژگی های برجسته ابرار است.

۱. مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر.

۲. مفاتیح الجنان، دعای جامعه کبیره.

توجه به این نکته ضروری است که آیه در حد مسکین و یتیم و اسیر مادی خلاصه نمی شود، بلکه افراد یک جامعه از نظر معنوی نیز مسکین و یتیم و اسیر هستند .

در حقیقت ما دو گونه یتیم داریم : ۱- یتیم خانوادگی ۲- یتیم دینی

یتیم خانوادگی، زندگی روانی و جسمانی اش مورد مخاطره قرار می گیرد. ولی یتیم دینی کسی است که سرپرستی و ولایت امام معصوم "علیه السلام" را از دست می دهد و در واقع بیرون از چتر ولایت امام معصوم "علیه السلام"، همه انسان ها یتیم و مسکین و فقیرند. زیرا تمام ابعاد وجودیشان معطل می ماند. امام در دست گیرنده سعادت افراد است و اوست که به عنوان ولی و مرشد انسان را به سوی کمال واقعی اش رهنمون می شود.

اسلام تنها مکتبی است که علم را عبادت می شمرد و جلسه درس را محل تقرب به خدا می داند. اما علم نیز به تنهایی نمی تواند انسان را به سر منزل مقصود که هدف از خلقت اوست برساند. علم زمینه ای است که دین را به جلو می برد. اما ، قدرت افق گشائی ندارد. آن چیزی که افق های تازه ای از آگاهی و دانائی به روی انسان می گشاید و او را از عالم ملک به ملکوت پرواز می دهد و به کمال مقصود می رساند دین است. زیرا هیچ کلامی مانند کلام وحی انسان را سیراب نمی کند. مسکین و یتیم و اسیر معنوی در جامعه انسانی باید عطش خود را از طریق وحی برطرف کنند و امامان معصوم "علیه السلام" آنقدر بزرگوارند که از طعام معنوی خودشان خلأهای معنوی جامعه را لبریز می کنند . پیامبر اکرم "صلی الله علیه و آله" فرمودند: اَنَا وَ عَلِي ابَوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ ، مَنْ وَ عَلِيٍ پَدَرِ اَیْنِ اَمْتِ هَسْتِیْمِ .